

معنی گناه در قرآن و احادیث

حسین حقانی زنجانی

مکتب اخلاقی اسلام

بررسی همه جانبه موضوع گناه در متون اسلامی از قرآن و احادیث معتبر وارد، و از دیدگاه ائمه اطهار و پیشوایان مذهبی ما، ايجاب می کند که مسائل اساسی مربوط به گناه بتدریج تحت عنوان " ذنب - سیئه - اثم - جرم - مخالفت امر خدا و مشتقات آن " مورد توجه قرار گیرد.

اولین مساله قابل بحث این است که گناه یعنی چه؟ و معیار صدق گناه بر اعمال بندگان کدام است؟

معنای گناه در لغت بنا بر آنچه از موارد استعمال کلمه " ذنب " و سایر کلمات مشابه آن استفاده می شود این است که هر عملی که عواقب سوء و بدی را بدنبال خود داشته باشد آنرا گناه می نامند و آن عواقب سوء از هر قبیل که باشد فرقی در صدق گناه نمی کند.

و اما از نظر فقه و موازین و اصول فقه گناه، مخالفت امر مولوی خداوند است که عقاب و کیفر را بدنبال خود دارد^۱

و از اینجا می توان استفاده کرد که بین معنای لغوی و اصطلاحی فقهی، ملازمه ای وجود دارد یعنی عرف متشرع آن دورا معنای لازم و ملزوم می داند.

و همین معنا مراد است از گناه (ذنب) که در سوره فتح آنرا برای پیامبر فرض می کند یعنی عواقب بدی که برای دعوت رسول اکرم (ص) نزد کفار و مشرکین قبل از هجرت و بعد از هجرت وجود داشته است این، گناهی بوده است برای کفار در عهده رسول اکرم (ص) و مغفرت و بخشش این گناه همان باطل ساختن این عواقب یا از بین بردن شوکت و جلال و عظمت کفار و مشرکین بوده است. پس گناه را از دیدگاه اسلام اینگونه می توان معنی کرد که اطاعت از اوامر و دستورات و احتراز از نواهی خدا در هر مورد برای جمیع مکلفین وظیفه و لازمست و تخلف از آن یعنی عصیان در برابر اوامر و دستورات او و ارتکاب نواهی، گناه محسوب می گردد.

مثلاً خداوند به عدل و احسان و رسیدگی به وضع خویشاوندان در زندگی خانوادگی و اجتماعی دستور میدهد و از فحشاء و منکر و ظلم و انحراف های جنسی نهی می کند و تخلف از آنها موجب عصیان و گناه در برابر پروردگار محسوب می گردد چنانکه خدا می فرماید

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" ۲

بندگان مؤمن و صالح خداوند کسانی هستند که حکم خدا و رسول او را پذیرا بوده و دیگر انتخابی برای خود دنبال او و امر خدا و رسولش ندارند و در غییر این صورت بگمراهی آشکار دچار می گردند (مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا " - احزاب / ۳۶) .

خداوند دوست دارد که ایمان و اعتقاد بخداوند در قلوب مؤمنان جایگزین باشد و ایمان را زینت قلب ها می داند و کفر و فسوق و عصیان و عدم اطاعت از اوامر خود را برای بندگان دوست ندارد.

قرآن چنین کسانی را بعنوان انسانهای رشد یافته معرفی می کند :

"وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزِينَةً فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ" ۳

۲- نحل / ۹۰

۳- حجرات / ۴۹

" لکن خداوند ایمان را برای بندگان خود دوست دارد و ایمان را زینت قلوب قرار داده است و کفر و فسوق و عصیان را برای بندگان دوست ندارد اینان همان انسانهای رشدیافته هستند "

از آیات بالا استفاده می‌شود که گناه در رابطه با عدم اطاعت از خدا و مخالفت با اوامر و دستورات او قرار دارد یعنی اطاعت از او موجب جلب رضایت او است و عاصی بودن در برابر فرمان او باعث غضب و خشم او می‌گردد .

امام رضا (ع) می‌فرماید: «خداوند به یکی از پیامبران چنین وحی فرستاد که اگر اطاعت مرا بکنی از تو راضی می‌شوم و اگر از تو راضی شدم برکت خود را بر تو می‌فرستم که برای آن نهایتی نیست و اگر بر من عاصی شوی خشم من ، تو را فرا می‌گیرد و غضب من ، باعث دوری تو از رحمت من می‌گردد .^۴

اعمال بندگان سه گونه است

علی (ع) اعمال بندگان را بطور کلی به سه قسم تقسیم می‌کند :

۱- واجبات

۲- فضائل

۳- معاصی

اما واجبات (فرائض) اعمالی هستند که خداوند به آنها دستور می‌دهد و مورد رضایت او بوده و خداوند بآنها دانا و قادر است و بندگان با انجام دادن این امور از عذاب خداوند نجات می‌یابند .

اما فضائل اعمالی هستند که خداوند به آنها امر نکرده است و لکن انجام دادن آنها مورد رضایت خدا بوده و خداوند انجام آنها را از ناحیه بندگان ، عالم بوده و انجام آنها ، مقدر می‌باشند و بندگان با انجام دادن آنها ثواب می‌برند .

و اما معاصی و گناهان اعمالی هستند که نه خدا بآنها دستور داده و نه

۴- عن الرضا (ع) : قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا اطَّعْتُ رَضِيْتُ فَإِذَا رَضِيْتُ بَارَكْتُ وَلَيْسَ لِبِرْكَتِي نَهَايَةٌ فَإِذَا عَصَيْتُ غَضِبْتُ وَإِذَا غَضِبْتُ لَعَنْتُ . . . "

انجام آنها را از بندگان خواسته و نه راضی به انجام آنها می باشد ولی بندگان با اختیار خود آنها را انجام می دهند و خداوند نیز در مقابل آنها بندگان عاصی را کیفر می دهد" ^۵

عامل اصلی گناه

بدیهی است کسی که از دستورات خداوند سرپیچی کند و مرتکب گناه گردد نسبت بخداوند شناختی ندارد زیرا اگر خداوند را آنگونه که حق شناخت او است می شناخت یقیناً می دانست که او خالق و آفریدگار موجودات و مستحق پرستش و عبادت است و یقیناً می دانست که اطاعت از او لازم و سرپیچی از فرمان او مستوجب عقاب و کیفر است پس دریک جمله می توان علت اصلی گناه و زمینه مساعد آن را عارف واقعی نبودن بخدا و نداشتن معرفت او دانست و هر مقدار که معرفت انسان بخداوند کمتر باشد همین اندازه نیز آلودگی او بیشتر و ارتکاب او به گناه زیادتر است و در مقابل همان مقدار که معرفت او بخداوند بیشتر باشد تمرد و گردنکشی در مقابل او کمتر است و از اینجا است که پیامبران که عارفان واقعی خداوند هستند از گناه و تمرد و مخالفت با او میرا هستند و از پیامبران که بگذریم هر بنده ای که ایمان او و نفرت و شناختش درباره خداوند زیادتر باشد همان اندازه نیز مطیع تر و از گناه دور تر است.

امام باقر(ع) فرمود: **مَاعَرَفَ اللّٰهَ مِنْ عَصَاهُ** ^۶ "کسیکه از فرمان خدا سرپیچی کند خدای را نشناخته است"

بدیهی است که عصیان و سرپیچی در مقابل خدا، عمل نکردن به نهی او در مقابل، اطاعت او پیروی از او امر او است.

امام صادق(ع) فرمود: ای مؤمنان خداوند امر می کند، برای اینکه مورد امر و دستور او، مورد اجرا گذارده شود و خداوند در این مورد اطاعت بشود و در مورد نهی نیز بآن عمل نگردد و گرنه موجب عصیان و نافرمانی می شود ^۷

۵ - بحار ج ۷۸ / ۴۳

۶ - بحار ج ۷۸ / ۱۷۴

۷ - بحار ج ۷۸ / ۲۲۰

ابوبصیر از امام صادق (ع) از حقیقت ایمان سؤال کرد فرمود: «ایمان بخداوند عاصی نبودن در مقابل فرمان و دستور او است»^۸ (الایمانُ أَنْ يُطَاعَ اللَّهُ وَلَا يُعْصَاهُ).

در برخی از احادیث وارد است که اگر بنده ای مرتکب گناه کبیره ای یا صغیره ای بشود که خداوند آنها را نهی فرموده است از حوزه ایمان خدا خارج شده و تنها اسم مسلمان بر او صادق است...^۹

ترک گناه عبادت حقیقی

از اینرو از دیدگاه پیشوایان اسلام اصل دین پرهیز از گناه است چنانکه در برخی از روایات معتبر از پیامبر (ص) چنین وارد است: «أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ، كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ، كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى لِيُؤْتِيَكَ إِهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ بِغَيْرِهِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ يَتَقَبَّلُ اللَّهُ لِقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّهَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^{۱۰}

اصل و اساس دین احتراز از گناه است، از گناه پرهیز، عابدترین مردم بابتقوی باش و اهتمام بتقوی داشته باش و از غیر آن پرهیز، بدرستیکه عملی که پذیرفته شود (گرچه بحسب ظاهر کم باشد اما در حقیقت و نزد خداوند) ارزش بیشتری دارد. زیرا منشاء پیدایش آن تقوا است و خداوند تنها از متقیان و پرهیزکاران می پذیرد.

روی این ملاحظه اهل ایمان باید خیلی مواظب خود باشند تا در کار خیری که از آنان صادر می شود و باید آنها را بدرجات عالی قرب الهی برساند مبادا بواسطه گناهی باطل و ضایع گردد، زیرا خسران و زیان در انتظار آنان است. معنای سیئه و رابطه آن با گناه

در موارد متعددی در قرآن کلمه "سیئه" و "سبئئات" بصورت جمع بکاربرده

۸- بحار ج ۷۸ / ۲۶۰

۹- وسائل ج ۹ / ۲۶

۱۰- عده الداعی /

شده است آیا مراد از آن همان گناه (ذنب) است یا نه؟
پاسخ این است مراد از کلمه " سیئه " بملاحظه ماده و هیئت آن عبارت از هر عمل وحادثه بدی است و از اینجا لفظ " سیئه " بر امور و مصائبی که وقوع آنها خالی از بدی و زشتی نیست اطلاق می گردد مثل آیه ۷۹ - سوره نساء " وَاَصَابِكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ " هر عمل بدی که بتو برسد باعث و منشاء آن عمل خودت می باشد "

و در برخی از آیات کلمه " سیئه برنتائج و آثار خارجی دنیوی و اخروی که بر معاصی مترتب است اطلاق می شود " مثل آیه ۳۴ سوره نحل و آیه ۵۱ سوره زمر. و در برخی از آیات کلمه " سیئه " در معنای خود معصیت استعمال شده است ۱۱ مثل آیه ۴۰ سوره شوری " جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِثْلَهَا " پاداش هر معصیت و بدی، بدی است مثل آن "

معنای اخیر نیز گاهی در مطلق معصیت اعم از کبیره و صغیره استعمال میشود مثل آیه ۲۱ سوره جاثیه ؟

و گاهی نیز در خصوص صغیره بکار می رود مثل آیه ۳۱ - سوره نساء در هر حال کلمه سیئه با گناه و معصیت در معیار گناه و معصیت بودن مشترک است و آن مخالفت با امر و نهی خدا و رسولش می باشد بطوریکه چنین عملی قطعاً مورد رضای خدا و رسولش نمی باشد، خداوند و پیامبرش نمی خواهد که این عمل بد از انسانها سر بزند.

گناه ظاهری و باطنی

در معنای گناه ظاهری و باطنی میان علماء و مفسرین اسلامی اختلاف است و اقوالی ذکر شده است از جمله :

۱- برخی از علماء گناه ظاهری را گناهی می دانند که علناً و در حضور مردم انجام بگیرد و باطنی آنست که پنهانی واقع شود.

۲- برخی از علماء گناهی را ظاهری می دانند که با جوارح انسان انجام بپذیرد و گناهی را که در دل و در قلب انجام بگیرد آنرا گناه باطنی نامیده اند و غیر از این دو قول نظرات دیگری نیز در این باب ابراز شده است که ما به جهت

این نویسنده محقق به این حد اکتفاء نکرده " مشیخه های " هر سه کتاب را شرح و تحقیق کرده است و در این مورد نوآوری‌هایی دارد که براهل تحقیق پنهان نیست . زندگی مرحوم " خراسان " در کتاب " نقباء البشر " ۱۱۱۸/۳ و " رجال الفکر والادب " ص ۱۵۲ و " شهدالامام " و " تاریخ النجف " ۸۵/۴ آمده است علاقمندان می‌توانند به آنها مراجعه نمایند .

سرانجام این محقق کم‌نظیر در ماه جمادی الثانیه ۱۴۰۵ هـ در نجف اشرف درگذشت و با تجلیل و احترام در مقبره خانوادگی خود در صحن مطهر به خاک سپرده شد .

واگر در روزهای درگذشت آن مرحوم ، موفق به اظهار همدردی و تسلیت نشدیم هم‌اکنون به عنوان نخستین سالگرد او ، این ضایعه بزرگ را به علماء اعلام و آیات عظام و بازماندگان آن مرحوم تسلیت می‌گوئیم البته چراغ علم و دانش و تحقیق با درگذشت این شخصیت در این خانواده خاموش نشده و فرزند برومند ایشان آقای سیدمهدی خراسان پیرو راه پدر بوده و علاوه بر مراتب علمی کتاب ارزشمندی پیرامون زندگی ابن عباس نوشته است و از آثار چاپ شده ایشان تحقیق کتاب " البیان فی اخبار صاحب الزمان " است که کرا را در نجف و لبنان چاپ شده است .

هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام

بقیه از صفحه (۵۰)

اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم ولی آنچه از میان این معانی با سیاق آیات قرآن موافق است نظر مرحوم علامه طباطبائی در ج ۷/ ص ۳۵۲ المیزان در ذیل آیه مبارکه " وَذَرُوا ظَاهِرَ الْأَثَمِ وَبَاطِنَهُ " می‌باشد و خلاصه نظر ایشان این است که مراد از گناه ظاهری معصیتی است که بدبودن عاقبت آن بر هیچ کس پوشیده نیست و بدبودن نتیجه آن بر همه کس آشکار است مثل گناه شرک و فساد در روی زمین و ستم و ظلم و . . . و اما گناه باطنی آنست که بدبودن نتیجه و عاقبت آن در ابتداء امر شناخته نشود و چندان وضوحی نداشته باشد مثل خوردن گوشت میت و مصرف خون و خوردن گوشت خوک و نظائر اینها که بدبودن آن‌ها از ناحیه شرع شناخته می‌شود و چه بسا عقل نیز بآن حکم می‌کند .